

چرا آمریکا نتوانست در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل اجماع حداکثری ایجاد کند

پایان هژمونی، آغاز سلطه

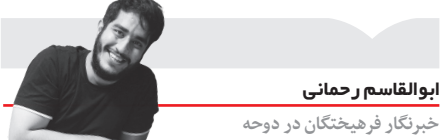
فرهیختگان شورای حقوق بشر سازمان ملل روز پنجشنبه قطعنامه ضدایرانی درباره آنچه «وضعیت حقوق بشر در ایران» خوانده شد را به تصویب رساند. تصویب این قطعنامه به معنای موافقت این شورا با ایجاد یک «هیات حقیقت‌یاب» درباره ادعاها درخصوص «نقض حقوق بشر توسط ایران» در اغتشاشات اخیر است. این اتهامات درحالی مطرح می‌شوند که کشورهای غربی خود به دلیل به راه انداختن جنگ‌های غیرقانونی در سایر کشورها، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، تحریم ملت‌ها با سوءاستفاده از سلطه خود بر نظام‌های مالی دنیا، عدم اندیشیدن راهکاری‌هایی برای توزیع عادلانه ثروت، تجاوز به حاکمیت و استقلال کشورها، کودتا در سایر کشورها برای روی کار آوردن حاکمان مستبد و بسیاری موارد دیگر با انتقادهای جدی در زمینه حقوق بشر روبه‌رو هستند. اگرچه درنهایت این قطعنامه ضدایرانی در شورای حقوق بشر سازمان ملل به تصویب رسید اما اتفاقات پیرامونی تصویب قطعنامه نمایانگر چندین شکست برای جبهه غربی معاند ایران است.

۹ شکست پروژه کشته‌سازی

تصویب یک قطعنامه ادعایی حقوق بشری با هدف تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب نشان می‌دهد اتفاقات کف خیابان از روز اول با این هدف در جریان بوده است که بتواند با استفاده از سناریوی کشته‌سازی دست‌اویزی برای ورود جانبدارانه نهادهای بین‌المللی به امور داخلی ایران فراهم آورد. سناریویی که با هوشمندی نهادهای امنیتی و نظامی خنثی شد. مماشات نیروهای امنیتی در روزهای ابتدایی اغتشاشات اگرچه باعث شد صحنه‌های تلخی از شهادت مظلومانه نیروهای بسیجی و انتظامی را شاهد باشیم اما برای خنثی‌سازی ترفند تکراری ضدانقلاب برای دامن زدن به التهابات خیابانی، گریزی جز مماشات باقی نمانده بود. واقعیتی که تصویب قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل آن را بهتر نشان داد. ضدانقلاب در سال‌های گذشته با تکیه به این ترفند تلاش کرده است افکار عمومی ایران و جهان را تحت تأثیر قرار داده و بهره‌برداری خود را داشته باشد. نیکا شاکرمی، حدیث نجفی، سارینا اسماعیل‌زاده جدیدترین چهره‌هایی بودند که مرگ‌شان در راستای پیشبرد این پروژه به کار گرفته شد. این البته نخستین باری نیست که چنین دستورکار نخ‌نمانده‌ای در اغتشاشات پیاده‌سازی می‌شود. سال ۸۸ ضدانقلاب با یک سناریوی رسانه‌ای پیچیده قتل مشکوک ندا آقاسلطان را متوجه نظام کرد و تلاش کرد با مظلوم‌نمایی افکار عمومی را چریح‌دار کند. سعیده پورآقایی هم پروژه دیگری بود که در سال ۸۸ سوژه رسانه‌های ضدانقلاب شد. دختری که ضدانقلاب مدعی شد به قتل رسیده است و حتی سران فتنه در مراسم ترحیم او شرکت کردند. اما درنهایت پورآقایی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که از خانه فرار کرده بود و به قتل نرسیده است.

ترانه موسوی هم روایت مشابهی در سال ۸۸ داشت. فردی که ضدانقلاب مدعی شده بودند مورد تجاوز و قتل قرار گرفته است که بعدا مشخص شد سال‌ها قبل مهاجرت کرده و در خارج از کشور زندگی می‌کرد. پروژه احمد باطنی در سال ۷۸ نیز با تصویر مشهور او یکی دیگر از پرورنده‌های این کلان‌پروژه ضدانقلاب برای نظام جمهوری اسلامی ایران است. احمد باطنی که اصلا دانشجوی دانشگاه تهران نبود،

۹ تیتریک



ابوالقاسم رحمانی

خبرنگار فرهیختگان در دوحه

نمی‌دونم خوشحالی و هیجان، چقدر بهم اجازه میده تا تموم اون چیزهایی که دیدم و می‌خواستم بنویسم رو بنوم اینچا با کلمه‌ها ردیف کنم. اما همین که بنوم این خوشحالی رو، از الریان تا خیابونای تهران و تموم شهرهای ایران که می‌دونم الان و بعد کلی مدت، خیلی خوشحالن و مردم دارن کیف می‌کنن از برد تیم ملی، بکشونم، کارم رو کردم و امشب، آروم‌تر از تموم ۲۴ ساعت‌های بعد از ۶‌تای انگلیس سرم زوررو بالش می‌ذارم.

نمی‌دونم چند نفر توی دنیا، حتی اونایی که عشق فوتبالن، تواین دوگانه گیر کرده باشن که کاش به جای قطر الان ایران بودن یا برعکس، ولی من یکی از اونام که دوست دارم کنار این شوق جاری تو خیابونای الریان و دوحه و... تو قطر، تو خیابونای تهران و آبادان و مازندران و... ایران هم باشم و اونجاها هم با هم‌وطنام، مثل اینچا شادی کنم و بشورم و بریزم بره این غم‌هایی که این مدت، بد خواهای مردم کشورم نشوندن به دل و چهره‌هامون.

امروز یک جور دیگه‌ای شروع شد. از صبح که بی‌خواهی شب قبل رو به جون خریدیم و استرس نمیداشت چشم‌رو هم بدازیم جلوی در منتظر ماشین بودیم تا بریم و برسیم به خونه خوشبختی‌مون. به ورزشگاه احمد بن علی. تو منتهایی که این چند روز نوشتم و تو صفحه خودم و روزنامه منتشر کردم، مدام گفتم و نوشتم که این بازی مرگ و زندگی ماست و واقعا هم همین بود. از توی اتوبوس شعار دادن‌هامون شروع شد و استرس نشسته توروب و جون‌مون رو پشت فریادهای بلند



در راستای اجرای طرح کشته‌سازی، با در دست گرفتن یک زیرپیراهن خونی (که بعدها اعتراف کرد در خانه با خون حیوانات، زیرپیراهن را رنگی کرده بود) مدعی کشته شدن دوست دانشجوی خود شد. او که با همین عکس به شهرت جهانی رسیده بود، مدتی بعد از ایران فرار کرد و در آمریکا به فعالیت‌های ضدایرانی خود ادامه داد و عکس یادگاری‌اش با جورج بوش، چهره واقعی او را نشان داد.

پروژه کشته‌سازی، پروژه نخ‌نمایی است که بارها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به بهره‌برداری رسیده و اکنون در سال ۱۴۰۱ همچنان دشمنان این ملت با تکیه بر این شیوه تلاش می‌کنند کلان‌پروژه خود را که همان براندازی است پیش ببرند.

۹ انقلاب، انقلاب که می‌گفتند همین بود!؟

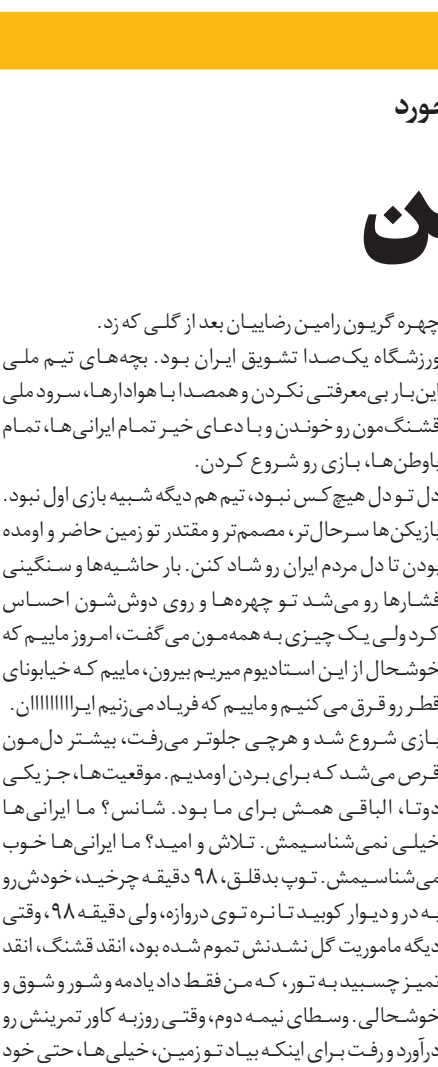
اینکه شورش یا جنبشی در ایران به انقلاب ختم شود، سال‌هاست به تصور و برساخت ذهنی کسانی که تبدیل شده است که استثمار ایران را می‌خواهند. ماجرای نآزرامی‌های سه‌ماه اخیر در ایران هم دور از این تصور همیشگی آنها نبوده و نیست. بعد از فوت مهسا امینی در شهریورماه ۱۴۰۱، حامیان همیشگی آشوب‌ها مثل عربستان سعودی، انگلیس و آمریکا سعی کرده‌اند با حمایت مالی و رسانه‌ای اعتراضات را به شورش و شورش را به انقلابی نامکدن بدل کنند اما در این فرآیند نام‌مانده‌اند. توهم تغییر نظام به‌قدری در ذهن سردمداران آمریکایی چیره شد که حتی اظهار پشیمانی کردند که چرا از شورش‌ها یا جنبش‌های گذشته حمایت بیشتری نشان ندادند. در این زمینه اظهارات اخیر باراک اوباما که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ رئیس‌جمهور آمریکا



بود، قابل توجه است. جمعه ۲۲ مهر ۱۴۰۱ بخش‌هایی از پاکدست «پاد سیو آمریکا» منتشر شد که در آن اوباما به موضوع شورش‌ها در ایران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ پرداخت و عدم حمایت علنی دولت‌ش از شورش‌ها را «یک اشتباه» توصیف کرد. رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، جو بایدن هم برای اینکه به پشیمانی اوباما دچار نشود، سعی کرد از شورش‌های اخیر در ایران حمایت کند و حمایت علنی خودش را هم با این عبارت که «ایران را آزاد خواهیم کرد» اعلام کرد. با وجود صرف هزینه‌های گزاف رفته‌رفته قدرت و مقبولیت شورش‌های خیابانی رو به افول رفت تا درنتیجه طراحان اغتشاشات برگ بعدی خود را رو کنند و اقدامات تروریستی در گوشه‌وکنار کشور را در دستور کار قرار دهند. حال که آتش آشوب‌ها رو به خاموشی گذاشته است آخرین تلاش‌ها برای تحت‌فشار قرار دادن ایران نیز به کار گرفته می‌شود. تصویب قطعنامه حقوق بشری آن هم با آرای کمی بیش از نصف حاضران در جلسه به‌وضوح تصویری از شکست رویای براندازی ایران است؛ رویایی که در جهان دوقطبی امروز حتی در مجامع به‌ظاهر بی‌طرف بین‌المللی نیز قدرت پیاده‌سازی ندارد.

۹ آمریکا دیگر قدرتی برای اجماع بین‌المللی ندارد

در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل که پنجشنبه گذشته برگزار شد، پس از سخنرانی نمایندگان کشورهای عضو حاضر در این جلسه، قطعنامه‌ای علیه ایران تصویب شد. طبق این قطعنامه، کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی ماموریت دارد موارد نقض حقوق بشر در ایران را ارتباط با اعتراضات جاری را که از ۲۵ شهریورماه آغاز شده به‌ویژه



بابرد بزرگ تیم ملی مقابل ولز تیر ایران ستیزان به سنگ خورد

چشم ایران روشن

هرچی بی‌وطنه نشون دادن هرچقدر هم که حال‌مون خوب نباشه، هرچقدر هم که مطالبه داشته باشیم، حساب ایران و تیم ملی ایران، اونم اینچا و تو جام جهانی از همه چیز سواست. ماجرای بی‌شرف‌هایی که بی‌شرفی‌شون رو داد می‌زدن، تو بازی قبلی حسایی حسایی ساز شده بود و کم‌شون رو تو رسانه‌های خودشون زیاد کرده بودن، امروز ته خطر رسیده بود و من و رفقام ندیدیم صدايي به گوش برسه و اگر بی‌شرفی‌هم بود، جرات و امکان فریاد‌زدن نداشت. با این اوصاف اما یک چیزی رو از همون لحظه مواجه تا الان دوست داشتم بگم و بنویسم. تو مسیر ورود به استادیوم و نشستن روی صندلی، یکی از هوادارای ایرانی، از همونا که تیشرت مشکی پوشیده بود داشت به ترکیب تیم غر می‌زد که منم باهاش همراه شدم. از همونایی بود که اگر همراه و هم‌مسیرش نمی‌شدم احتمالا انتظار داشتم تو استادیوم سرد ملی‌مون رو هو کنه یا شعار الکی بده. خلاصه یه کم گپ‌زدیم و گفت: «ایشالا کی‌روش حال تیم رو خوب کنه، حال تیم خرابه، خرابش کردن، رسانه خرابش کرده، ولی کاش ببریم، کاش ببریم و بخندیم، کاش امروز حال‌مون خوب شه. من از همه عالم ناامیدترم، ولی کاش ببریم و امروز خوشحال بیایم بیرون،» از هم جدا شدیم و حالا کاش من می‌دیدمش، ناامیدترین آدم ورزشگاه رو می‌دیدم و ترکیب خنده‌ها و خوشحالی‌ش با اون تیشرت مشکی و اون غمی که داشت، حتما ماندگار بود. مثل

بشر سازمان ملل استفاده از تجربه تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسیار کمک‌کننده خواهد بود. تجربه همکاری با آژانس نشان می‌دهد که میزان طرح مطالبات ضدایرانی این نهاد رابطه مستقیمی با میزان تنش ایران با دولت‌های غربی دارد. هر زمان که ادبیات طرفین برجام نسبت به یکدیگر تنش‌آمیز بوده است آژانس به عنوان بازوی کمک‌کننده طرف غربی وارد عمل شده تا همان مطالبات زیاده‌خواهانه را با زبانی مثلابی طرفانه مطرح کرده و ایران را وادار به امتیاز دادن کند. حال که این سناریو به شکست انجامیده طرف غربی آخرین اهرم فشار دیپلماتیک خود یعنی سازمان ملل را نیز فعال کرده است. بعد از آنکه ایران از مطالبات به حق در میز مذاکرات برجام عقب‌نشست، طرف غربی که هنوز باب مذاکره را بسته است پلن B خود را آغاز کرده و ضمن دامن‌زدن به آشوب‌های داخلی ایران مسیر سازمان‌های بین‌المللی را درپیش گرفت تا با ترساندن ایران از تصویب قطعنامه احتمالی در شورای امنیت و فعالسازی مکانیسم ماشه تهران را وادار به عقب‌نشینی از حقوق خود کند. طرف‌های غربی درحالی ایران را از مکانیسم ماشه و نابودی برجام می‌ترسانند که این توافق مدت‌هاست با خروج آمریکا و عدم اجرای تعهدات اروپا نابود شده است. غربی‌ها مسیر سازمان‌های بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند تا بلکه بتوانند در ادامه با فعال‌سازی مکانیسم ماشه آبروی آمریکای ناقض برجام را بازگردانده و خروج نامشروع این کشور از یک توافق بین‌المللی را مشروع جلوه دهند. میزان قباحث رفتار آمریکا در فضای بین‌المللی اما به اندازه‌ای است که باعث می‌شود هر اقدام ضدبرجامی قبل از بازگشت واشنگتن به این توافق به لحاظ سیاسی به ضرر خود غربی‌ها تمام شود. به‌نظر می‌رسد غربی‌ها نیز با درک این امر سازمان‌های بین‌المللی را فعال کرده‌اند تا بتوانند صرفا اهرم فشاری در مذاکرات در دست بگیرند و الا اگر به‌دنبال چیز بیشتری بودند نیازی نبود هم‌زمان با بلندکردن مترسکی به نام مکانیسم ماشه، در پشت صحنه با ایران بر سر احیای توافقی هسته‌ای تبادل پیام داشته باشند.

۹ ایران چطور می‌توانست در نشست سازمان ملل بهتر عمل کند؟

یکی از مهم‌ترین مواردی که شاید می‌توانست نتیجه نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل را تغییر دهد، شخصی بود که به‌نمایندگی از ایران در این نشست شرکت کرد. خدیجه کریمی، مدیر کل امور بین‌الملل معاونت زنان و خانواده ایران فردی بود که از جانب ایران در این نشست شرکت کرد. او حین صحبت در این نشست ورق‌هایی که پیش از این جلسه برای سخنرانی آماده کرده بود را گم کرد و چندتا‌نهایی به‌دنبال کاغذهای مفقوده گشت و پس از مکشی، به صحبت‌های خود ادامه داد که البته ایبرال و بسیار حاشیه‌ساز شد. تصویب قطعنامه با آرای حداقلی این احتمال را به‌وجود می‌آورد که اگر به‌جای مدیرکل امور بین‌الملل معاونت زنان و خانواده، یک دیپلمات با تجربه به این نشست اعزام می‌شد ضمن سخنرانی با تسلط بیشتر با استفاده از تعاملی که با دیپلمات‌های دیگر کشورها دارد می‌توانست مانع از تصویب قطعنامه ضدایرانی شده و طراحی جبهه غربی را به یک شکست متفضحانه منتهی کند.

من، از همون فاصله دور از نیمکت، چشم‌غره می‌رفتم به کی‌روش که آخه چشمی؟ بازی قبلی رو یادت رفته؟ اما خب عبرت و ذلت مگه جز دست خداست؟ چشمی اومد تو، چشمی شد چشم و چراغ یک ملت، شد بهترین بازیکن زمین و گل زد.

هنوز آتیش شوقی که به جون هوادارها افتاده بود خاموش نشده بود که دوباره احمد بن علی لرزد، دوباره صدای ایران و ایرانی بود که کل الریان می‌شنیدنش، این بار رامین رضاییان بود که رو پاس خوشگل طارمی، شادی رو تو قلب‌هامون قطعی کرد و استرس چند ثانیه پایانی بازی و احتمال مساوی شدنش رو کشت.

دل‌م هیچ کس نبود، تیم‌هه دیگه شبیه بازی اول نبود. بازیکن‌ها سرحال‌تر، مصمم‌تر و مقتدر تو زمین حاضر و اومده بودن تا دل مردم ایران رو شاد کنن. بار حاشیه‌ها و سنگینی فشارها رو می‌شد تو چهره‌ها و روی دوش‌شون احساس کرد ولی یک چیزی به همه‌مون می‌گفت، امروز ماییم که خوشحال از این استادیوم میریم بیرون، ماییم که خیابونای قطر رو قرم می‌کنیم و ماییم که فریاد می‌زیم ایبرال!!!!!!ان.

بازی شروع شد و هرچی جلوتر می‌رفت، بیشتر دل‌مون قرص می‌شد که برای بردن اومدیم. موقعیت‌ها، جزئیکی دوتا، الباقی همش برای ما بود. شانس؟ ما ایرانی‌ها خیلی نمی‌شناسیمش. تلاش و امید؟ ما ایرانی‌ها خوب می‌شناسیمش. توپ بدقلق، ۹۸ دقیقه چرخید، خودش رو به در و دیوار کوبید تا نره توی دروازه، ولی دقیقه ۹۸، وقتی دیگه ماموریت گل نشدنش تموم شده بود، نقد کشنگ، نقد تمیز چسبیده به تور، که من فقط داد یادمه و شور و شوق و خوشحالی. وسطای نیمه دوم، وقتی روزبه کاور تمرینش رو درآورد و رفت برای اینکه بیاد تو زمین، خیلی‌ها، حتی خود